

## حوادث ۱۹ خرداد

#### تلنگر

#### محاکمه ۸ تبعه خارجی

#### به اتهام آزار زن ایرانی

هشت تبعه خارجی که پس از کشتاندن زن ایرانی به خانه باغی در فرحزاد او را چهار ساعت گروگان گرفته و مورد آزار و اذیت شیطانی قرار داده بودند، به زودی در شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه قرار می گیرند. به گزارش خبرنگار جام جم، ده روز قبل زنی جوان با مراجعه به کلانتری ادعا کرد از سوی هشت مرد ناشناس مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. او در طرح شکایت خود گفت: برای خرید خانه‌باغی در نزدیکی فرحزاد، به آن محل رفتم. آگهی فروش باغ را در يك سایت خرید و فروش دیده بودم، اما با دیدن ملك از خرید آن پشیمان شدم. چون اطلاعات موجود در آگهی با خود ملك تطابق نداشت. زمانی که داشتم از آنجا خارج می‌شدم، ناگهان آگهی دهنده خانه باغ با من گلاویز شد و با زور من را به داخل کشتاند و مورد آزار و اذیت قرار داد. بعد هم با تعدادی از دوستانش تماس گرفت و آنها هم به باغ آمدند و من را مورد آزار و اذیت قرار دادند. شاکي مدت چهار ساعت در آن باغ محبوس بود، بعد از آن متهمان با ربودن پنج میلیون تومان پول نقدی که همراه داشت و همچنین سرقت گوشی تلفن همراه زن ۴۸ ساله، او را آزاد کردند.

با اطلاعاتی که در اختیار ماموران پلیس قرار گرفت، متهمان یکی پس از دیگری دستگیر شدند. پرونده با شکایت مستقیم شاکي برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری يك استان تهران ارسال شد.

#### بازداشت چهره معروف

#### اینستاگرامی

چهره مشهور صفحات اینستاگرام از سوی دادسرای ارشاد بازداشت شد. به گزارش فارس، این چهره اینستاگرامی مشهور به «سحر تبر» که به واسطه عمل‌های متعدد زیبایی و گریم‌های مشتم‌کننده و هنجارشکن، اقدام به جذب دنبال‌کننده در حساب اینستاگرام خود می‌کرد، پس از ارسال پیام‌های متعدد مردمی به سامانه دادسرای ارشاد و درخواست پیگیری، به دستور دادسرای ارشاد تهران بازداشت شد. از جمله جرایم او ترویج خشونت، تحصیل مال از طریق نامشروع، توهین به مقدسات، توهین به حجاب اسلامی، گسترش اباحه‌گر ی و تشویق جوانان به فساد است.

#### دام شیطانی دوست مجازی

#### برای زن جوان

زن جوان وقتی برای بهتر شدن حال روحی‌اش با دوست اینترنتی خود قرار گذاشت، نمی‌دانست در دام دو شیطان مجازی گرفتار شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، شکایت زن جوان مبنی بر آزار و اذیت او توسط دو فرد ناشناس به تازگی در مراجع قضایی به ثبت رسیده است. شاکي ۳۰ ساله روز گذشته برای تحقیقات اولیه به شعبه یازدهم دادگاه کیفری يك استان تهران رفت و گفت: چندی پیش با پسری در فضای مجازی آشنا شدم. من به تازگی اب دهمسر جدا شده‌ام و با فرزند خردسالم زندگی می‌کنم. از لحاظ روحی حال نامناسبی داشتم و فکر می‌کردم اگر وارد رابطه با فرد تازه‌ای شوم، حالم بهتر می‌شود. برای همین مدتی که از آشنایی ما گذشت، با او قرار گذاشتم.

متهم با خودروی ۲۰۶ در منطقه شرق تهران، سرقرار آمد و شاکي سوار خودروی او شد. اما هنوز زیاد از مبدا دور نشده بودند که زن جوان متوجه نیت شوم مرد شد. او در مورد روز حادثه گفت: وقتی سوار ماشینش شدم، کمی جلوتر رفت و مرد دیگری را سوار ماشین کرد. خیلی تعجب کردم چون قرار نبود کسی با ما همراه شود. اما یک‌دفعه روی من چاقو کشید و با تهدید چاقو مرا ساکت کرد. وارد اتوبان امال علی شد و رو به جنوب حرکت کرد. فهمیدم قصد ربودن را دارند و هر قدر اصرار کردم به التماس من بی‌توجه بودند. بالاخره در ساعات اولیه شب، دو مرد جوان، شاکي را در محلی خلوت از ماشین پیاده کردند و به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادند. زن جوان گفت: به شدت مرا کتک می‌زدند و مجبور کردند هر چه پول و طلا دارم به آنها بدهم. بعد هم گوشی من را گرفتند اما با هم دست از ماشین برنداشتند. باز با تهدید چاقو من را سوار ماشین کردند و این‌بار هر دو من را مورد آزار و اذیت قرار دادند. رسیدگی به شکایت زن جوان در دستور کار قضات شعبه یازدهم دادگاه کیفری يك استان تهران قرار دارد.



حضوراین پدر در کنار خانواده فراهم شود.

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان در این باره گفت: دو روز بعد، درخواست مونا با دستور رئیس قوه قضاییه محقق شد و پدر این دختر از تخفیفات قانونی برخوردار و زمینه حضور وی در کنار فرزند و خانواده اش فراهم شد.

زندانی شدن پدرش به دلیل جرمیه ۱۵۰ میلیون تومانی و ناتوانی از پرداخت آن را برای رئیس قوه قضاییه توضیح داد. در ادامه برگزاری این ملاقات مردمی رئیس‌قوه قضاییه به رئیس کل دادگستری استان هرمزگان دستور داد که با بررسی پرونده و استفاده از راهکارهای قانونی همچون تقسیت بدهی، شرایط

#### درخواست از قاضی القضاات برای آزادی پدر

همزمان با درخواست دختر بندرعباسی از رئیس قوه قضاییه در جریان سفر استانی او به هرمزگان، انتقال متهم از زندان میناب و زمینه حضورش در کنار فرزند و خانواده‌اش فراهم شد.

به گزارش جام جم، در این دیدار مردمی، مونا دخترخردسال بندرعباسی ماجرای

#### شگرد عجیب دختر دهه هفتادی برای سرقت کیف زنان در آرایشگاه

## سرقت می‌کردم تا جهیزیه‌ام را بخرم!

قیمت بالایی داشت.

تحقیقات برای دستگیری چندین شکایت مشابه دیگر در کلانتری مطرح شد. بررسی پرونده‌ها نشان داد، سرقت‌ها در آرایشگاه‌های معروف منطقه رخ داده است.

#### ردزنی در طلافروشی

سرهنگ مجید عسگرنیا، رئیس کلانتری ۱۳۶ تهرانپارس در مورد نحوه ردزنی سارق بعد از ثبت چندین شکایت مشابه گفت: بررسی اطلاعات گردش حساب مالباختگان نشان می‌داد سارق دقایقی بعد از دزدیدن کیف مشتریان اقدام به خرید ارز از صرافی‌ها کرده است. در مواردی هم خرید خود را از طلافروشی‌ها انجام داده بود. با مراجعه به صرافی‌ها و بررسی دوربین مدار بسته مغازه‌ها، توانستیم به تصویر متهم دست پیدا کنیم و مشخص شد سارق، زن جوانی است. در مرحله بعد ماموران تصویر ضبط شده از سارق جوان را در اختیار آرایشگاه‌های مورد نظر قرار دادند و از آنها خواستند به محض مراجعه سارق به آنجا، موضوع را به پلیس اطلاع دهند. البته تعدادی از صندوق‌داران آرایشگاه‌ها او را هنگام سرقت مشاهده کرده بودند، اما ردی از سارق در این شاخه به دست نیامد.

سرهنگ عسگرنیا افزود: «با توجه به این‌که اکثر خانم‌ها، گوشی تلفن همراه خود را در کیف خود قرار داده بودند و سرقت شده بود، ردیابی تلفن‌های همراه شاکیان قدم بعدی در رسیدن به سارق جوان بود. به محض این‌که سارق جوان اقدام به روشن کردن یکی از گوشی‌ها

پلیس زمانی که

تحقیقات برای دستگیری سارق سربالی کیف زنان در آرایشگاه‌های زنانه را آغاز کرد، تصور نمی‌کرد

دختر ۲۷ ساله‌ای به تنهایی این سرقت‌ها را مرتکب شده است. متهم در گفت‌وگو با جام جم، مدعی شده برای پرداخت اجاره خانه عقب افتاده و تهیه جهیزیه سرقت می‌کرده است. به گزارش جام جم، پس از طرح چندین شکایت مشابه از سوی زنان ساکن شرق تهران، طی پنج ماه اخیر مبنی بر سرقت کیف آنها در آرایشگاه‌های این منطقه پیدا کردن ردی از سارق در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت. اولین شکایت در اردیبهشت ماه ثبت شد. زن جوان با مراجعه به کلانتری ۱۳۶ تهرانپارس با طرح شکایتی به ماموران گفت: صبح امروز به یکی از آرایشگاه‌های محله تهرانپارس رفته بودم. آرایشگاه مثل همیشه خیلی شلوغ بود و من چند دقیقه کیفم را روی صندلی کنار دستم گذاشتم، اما به محض این‌که برگشتم دیگر اثری از کیفم نیست.

زن جوان ادامه داد: گوشی تلفن همراهم را هم

داخل کیفم گذاشته بودم. برای همین سریع خودم را به خانه رساندم و موضوع را به همسرم اطلاع دادم و با هم برای سوزاندن کارت به بانک رفتم. اما هنوز ساعتی از ماجرا نگذشته بود که بانک به من اعلام کرد موجودی حسابم صفر است. هر چند مبلغ موجودی من حدود یک میلیون تومان بود، اما گوشی تلفن همراهم

### در بازداشتگاه دق می‌کنم

دختر جوان در طول مصاحبه سعی می‌کند، علت سرقت را

توجیه کند و می‌گوید اگر مشکل مالی نداشتم و کاری پیدا می‌کردم به سمت سرقت نمی‌رفتم. گفت وگویی جام جم با این دختر را در ادامه می‌خوانید:

👉 **چند سالی دارید؟**

متولد سال ۱۳۷۱ هستم.

👉 **درس خوانده‌ای؟**

بله، از دانشگاه آزاد. کارشناسی مدیریت بازرگانی گرفته‌ام.

👉 **چطور شده به فکر سرقت افتادی؟**

اردیبهشت امسال بود که صاحبخانه مان گفت باید خانه را

##### جزئیات حادثه شهربازی بسیج از زبان پیمانکار و راننده جرثقیل

### در حال نصب بزرگ‌ترین چرخ و فلک کشور بودیم

عصر بدون بیمه ماهی چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دستمزد داشتم. ساعت ۱۳ و ۲۰ دقیقه موقع ناهار و تعطیلی کار در کابین بودم که جرثقیل واژگون شد. ۱۰ دقیقه محبوس بودم که همکارانم نجاتم دادند اما دستانم آسیب دیده است. ما در حال نصب بزرگ‌ترین چرخ و فلک کشور با ظرفیت ۲۴۰ نفر بودیم که این حادثه رخ داد. هفت ساعت عملیات نجات در محل حادثه انجام گرفت. یک پیک موتوری و یک راننده فوت شدند.

ورزش باد باعث حادثه شد.

همچنین یکی از مدیران شرکت تولید و نصب وسایل شهربازی نیز به جام جم گفت: مهندس و دکترای مدیریت صنعتی دارم. ۲۰ سال در این زمینه فعالیت دارم و در این شرکت سه شریک دارم. وسایل شهربازی‌ها با استاندارد کشورهایمان و مورد تایید سازمان استاندارد است. کارآفرین نمونه‌ام و از مسؤولان شهری و کشوری لوح‌های تقدیر بسیار گرفتم. کار پروژه بوستان بسیج را از سه سال پیش شروع کردیم. در یک سال و نیم گذشته ۴۰ وسیله بازی تولید و نصب کردیم. چرخ و فلک آخرین وسیله بود که در حال نصب آن بودیم.

وی افزود: در بوستان بسیج ۲۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کردیم که فقط هزینه تولید و نصب

چرخ و فلک ۲۵ میلیارد تومان بود. در عراق، سوریه، افغانستان، تبریز، میانه، تهران و ورامین وسایل بازی نصب کردیم. روزی هشت میلیون تومان هم بابت اجاره جرثقیل می‌پرداختیم. همه کارگران بیمه بودند و اگر ده نفر در حادثه کار کشته می‌شدند شرکت به‌شان را می‌پرداخت. جرثقیل در دست پیمانکار بود و مسؤولیت حادثه‌ها را برعهده داشت. مهندس ناظر پروژه، دو مهندس شهرداری، دو مشاور گریل یک و یک افسر ایمنی فعالیت پروژه را زیر نظر داشتند و یک نماینده از شهرداری هر روز برای بررسی وضعیت پروژه به آنجایم آمد و سرکشی می‌کرد.

نداشته؟

باار اول خیلی اتفاق موفق به سرقت شدم. در یک چشم بر هم زدن کیف پول آن خانم را از داخل کیفش برداشتم. اما بار بعد فکر کردم برداشتن کل کیف، ریسک کمتری دارد.

👉 **چرا برای حل مشکل سرکار زنتی؟**

می‌خواستم سرکار بروم. اما کار پیدا نمی‌کردم. حتی در آزمون بانک هم شرکت کردم اما قبول نشدم. چند آگهی استخدام منشی هم دیدم و به آنها هم سر زدم. اما به من پیشنهادهای غیراخلاقی می‌دادند.

👉 **با پول‌های سرقتی چه کردی؟**

تبدیل به ارز می‌کردم و بعد سر فرصت دوباره به ریال تبدیل می‌کردم و اجاره خانه می‌دادم.

👉 **چند ماه اجاره عقب افتاده داشتید که مبلغ آن ۸۰ میلیون**

**تومان شد؟**

می‌خواستم مبلغی هم برای آینده خودم پس‌انداز کنم. پدرم نمی‌توانست به من جهیزیه بدهد.

👉 **الان دوست‌داری چه اتفاقی بیفتد؟**

دلم می‌خواهد رضایت بگیرم و به خانه برگردم. فکرش را هم نمی‌کردم دستگیر شوم. من نمی‌توانم در بازداشتگاه بمانم. تا صبح در اتاق در بسته دق می‌کنم. حاضر با یکی از شاکیان به خانه‌شان بروم تا مطمئن باشند قرار نمی‌کنم. باور کنید اگر آزاد شوم دیگر دست به دزدی نمی‌زنم.

👉 **می‌توانی اموال مسروقه را پس بدهی؟**

باور کنید من ۲۰ میلیون آن را گم کرده‌ام. وقتی سکه خریدم، سکه‌ها را گم کردم. بقیه را هم اجاره خانه داده‌ام. اما تمام سعی خودم را می‌کنم که پول‌شان را پس بدهم. 🙏

##### مرد جوان به اتهام قتل زن مورد علاقه‌اش محاکمه شد

### جنایت به خاطر کیف پر از پول



به طبقه دوم منتقل کنیم. من هم برای کمک با شهروز همراه شدم. به خانه مرضیه که رسیدیم، متوجه شدم شهروز و مرضیه از قبل همدیگر را نمی‌شناختند. وقتی يك لحظه از اتاق خارج شدم و برگشتم، دیدم شهروز زن آن را خفه کرده است. تهدیدم کرد اگر چیزی به کسی بگویم من را می‌کشد.

**قاضی زالی: الان شهروز کجاست؟**

**متهم به قتل:** فرار کرده و به ترکیه رفته است.

**قاضی زالی: چرا این اظهارات را در بازجویی‌های قبلی نگفته بودی؟ اگر قتل کار تو نبود چرا چنین اتهام سنگینی را گردن گرفته بودی؟**

**متهم به قتل:** شهروز پسرم را گروگان گرفته و مرا تهدید کرده بود اگر به خواسته او عمل نکنم و قتل را گردن نکیرم، پسرم را می‌کشد.

**قاضی زالی: ماجرای گروگانگیری پسر ترا به پلیس اطلاع دادی؟**

**متهم به قتل:** خیر چون از شهروز می‌ترسیدم.

پس از آخرین دفاعیات متهم به قتل، قضات دادگاه ختم جلسه رسیدگی را اعلام کردند. رای دادگاه بعد از مشورت قضات صادر خواهد شد.